



## The Relationships between Ethics and Studies of Spirituality in the Paradigm of Islamic Sciences

Mahdi Alizadeh<sup>1</sup>

Received: 13/01/2023

Accepted: 24/01/2023



### Abstract

The relationship between spirituality and ethics is a subset of the general topics of spirituality and Islamic sciences, which are governed by the assumptions of cognitive science. Our main assumption about accepting the capacities of Islamic sciences to respond to contemporary challenges confronts us with the duality of accepting (confirming) or negating (denying) the system of Islamic sciences. The three sciences including ethics, fiqh (Islamic jurisprudence), and theology form this cognitive system. In the confirming approach, the three sciences of ethics, theology, and fiqh are considered as the original major Islamic sciences, each of which carries a part of the comprehensive system of religious education and its spiritual message. Therefore, the current article is considered a multidisciplinary perspective. On the one hand, with an anthropological analysis, we find that the science of ethics has a central and main position in the meaning of Islamic spirituality. The Qur'anic conclusion of this article in human analysis is that according to the 84th verse of Surah Isra, the "formation" of human is the basis of his decisions and choices. The

---

1 . Assistant Professor at the Islamic Sciences and Culture Academy. Qom, Iran. [m.alizadeh@isca.ac.ir](mailto:m.alizadeh@isca.ac.ir).

\* Alizadeh, M. (1401 AP). The Relationships between Ethics and Studies of Spirituality in the Paradigm of Islamic Sciences. *Journal of Islam and the Studies of Spirituality*, 1(1). pp. 103-123.  
DOI: 10.22081/JSR.2023.62984.1002

---

formation itself is related to the three structures of insight, character, and action; meanwhile, human character is the central core of his formation. Insight is its introduction and action is its result. On the other hand, in a spiritualistic analysis, these are the virtues and vices that form the individual, family, social and environmental character of a person, and as a result, they are considered the foundation of the human's formation. Therefore, ethics, with the approach of virtue ethics, plays the most important role in the narration of spiritual teachings, and of course, the two sciences of theology and fiqh complete this narration as the previous and the posterior links.

**Keywords**

Spirituality, ethics, formation, virtue, multidisciplinary approach, character.



## مناسبات دانش اخلاق و مطالعات معنویت در پارادایم علوم اسلامی

مهدی علیزاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳



### چکیده

نسبت معنویت و علم اخلاق زیرمجموعه‌ای از مباحث عام معنویت و دانش‌های اسلامی است که پیش‌فرض‌های علم شناختی بر آن حاکم است. انگاره کلان ما درباره پذیرش ظرفیت‌های پاسخگویی علوم اسلامی به چالش‌های عصری ما را با دوگانه پذیرش (تأییدگر) / نفی (انکارگر) منظومه علوم اسلامی مواجهه می‌سازد. سه‌گانه اخلاق - فقه - کلام این منظومه شناختی را تشکیل می‌دهد. در رهیافت تأییدگر، سه‌گانه دانش اخلاق، کلام و فقه به‌مثابه دانش‌های اصیل محوری اسلامی، هر یک حامل بخشی از نظام جامع معارف دین و پیام معنوی آن قلمداد می‌شود؛ بنابراین مقاله حاضر روایتگر دیدگاهی چندرشته‌ای است. از سویی با یک تحلیل انسان‌شناختی درمی‌یابیم که علم اخلاق در دلالت بر معنویت اسلامی، از موقعیت مرکزی و اصلی برخوردار است. برنهاد قرآنی مقاله حاضر در تحلیل انسان این است که بر اساس آیه شریفه ۸۴ سوره اسراء، «شاکله» انسان مبنای تصمیم‌گیری و انتخاب‌های وی است. شاکله خود با سه سازه بینش و منش و کنش مرتبط است؛ در این میان منش انسان هسته مرکزی شاکله وی به‌شمار می‌رود. بینش مقدمه آن و کنش برآمده از آن است. از سویی در یک تحلیل معنویت‌نگر، این فضایل و رذایل هستند که منش فردی، خانوادگی، اجتماعی و زیست‌محیطی فرد را تشکیل می‌دهند و در نتیجه شالوده شکل‌گیری «شاکله» به‌شمار می‌روند؛ بنابراین علم اخلاق با رویکرد اخلاق فضیلت‌بیشترین نقش را در روایت‌گری آموزه‌های معنوی به خود اختصاص می‌دهد و البته دو دانش کلام و فقه همچون حلقه‌های پیشینی و پسینی، تکمیل‌گر این روایت‌اند.

### کلیدواژه‌ها

معنویت، علم اخلاق، شاکله، فضیلت‌گرایی، رویکرد چندرشته‌ای، منش.

۱. m.alizadeh@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم، ایران.

\* علیزاده، مهدی. (۱۴۰۱). مناسبات دانش اخلاق و مطالعات معنویت در پارادایم علوم اسلامی. دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و مطالعات معنویت، ۱(۱)، صص ۱۰۳-۱۲۳. DOI: 10.22081/JSR.2023.62984.1002

## مقدمه

ارتقای زیست معنوی فرد و جامعه نیازمند بسط آگاهی‌های دقیق تخصصی است. امروزه جامعه علمی در کنار افکار عمومی و عموم مؤمنان و معنویت‌جویان به توسعه و عمق‌بخشی به دامنه تحقیقات بنیادی و کاربردی در معنویت<sup>۱</sup> احساس نیاز می‌کند. اما پیش از بسیاری از موردپژوهی‌ها و تحقیقات انضمامی و کاربردی لازم است سامانه معرفتی ما در این تحقیقات نسبت خود را با علوم اسلامی مشخص سازد؛ علمی که در طول تاریخ در عمل عهده‌دار هدایت معنوی انسان‌ها در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی بوده‌اند.

غنا و ژرفای معنویت آخرین دین ابراهیمی و آیین توحیدی که مورد اذعان فراگیر اسلام‌پژوهان جهان است، اقتضا می‌کند در معنویت‌پژوهی این ظرفیت مورد توجه عالمانه و منصفانه قرار گیرد و از آن در کارآمدسازی علوم اسلامی در برابر نیازها و چالش‌های عصری استفاده شود.

نسبت‌سنجی مطالعات / دانش معنویت با علوم اسلامی از جنس مطالعات درجه دو است. این سنجش و مقایسه خود از قواعد عام علم‌شناختی پیروی می‌کند. علوم رشدیافته در دامان معاهد و دارالعلم‌ها، نظامیه‌ها و حوزه‌های علمیه جهان اسلام (فارغ از علوم طبیعی و ریاضی و پزشکی) به دو دسته علوم آلی و علوم اصالی تقسیم می‌شوند. دانش‌های آلی مواردی است که جنبه ابزاری دارند و مقدمه ورود یا استفاده از علوم اصالی به‌شمار می‌روند، مانند علوم ادب عربی، رجال و منطق و اصول فقه. اما علوم اصالی یا دانش‌های اصیل دانش‌های هستند که معارف اصلی دین را در دل خود جای داده‌اند. این علوم نیز به دو دسته قابل تقسیم‌اند. ۱. علوم منبع و ۲. علوم محور؛ دانش‌هایی که جنبه منبعیت دارند و درواقع پشتیبانی از علوم محوری را برعهده‌دارند، مانند علوم حدیث و تفسیر قرآن علوم منبع به‌شمار می‌روند و علمی که نظام نظر و

1. Spirituality.

عمل دینی فرد مسلمان را تنظیم می‌کنند، علوم محوری بازشناخته می‌شوند؛ یعنی مثلث اخلاق - کلام - فقه.<sup>۱</sup>

سه گانه دانش اخلاق، کلام و فقه به مثابه دانش‌های اصیل محوری اسلامی، هر یک حامل بخشی از نظام جامع معارف دین و پیام معنوی آن قلمداد می‌شود و بحث تفصیلی از نسبت معنویت و علوم اسلامی، پژوهشی چندرشته‌ای را می‌طلبد. در عین حال از آنجاکه با یک تحلیل انسان‌شناختی درمی‌یابیم که علم اخلاق در دلالت بر معنویت اسلامی، از موقعیت مرکزی و اصلی برخوردار است، در مقاله حاضر بر نسبت‌سنجی میان اخلاق و معنویت متمرکز شده‌ایم.

امروزه خوانش‌های متعددی از اخلاق و اخلاق اسلامی وجود دارد؛ هم‌چنان که رهیافت‌های گوناگونی به معنویت پیش روی محققان است. لزوم شفافیت مدل و وضوح تصویر ما از طرفین مقایسه، ایجاب می‌کند که ابتدا منظور خود از معنویت و اخلاق را به اختصار روشن کنیم. در همین راستا به سنخ‌شناسی مطالعات یا دانش معنویت می‌پردازیم و همچنین از میان رویکردها و مکاتب گوناگون، با روش تحلیلی خوانش مورد نظر از اخلاق را انتخاب و تبیین می‌نماییم. در گام بعد به یک تحلیل انسان‌شناسی پرداخته و با بهره‌گیری از متن دینی به روش اجتهادی و تأکید بر آن از طریق تطبیق با برخی مطالعات روزآمد در حوزه روان‌شناسی اسلامی، این تلقی انسان‌شناختی را تقویت می‌کنیم. سرانجام یافته‌های تحلیلی - تطبیقی و اجتهادی خویش را به عرصه نسبت‌سنجی دانش اخلاق و مطالعات معنویت آورده، نتیجه می‌گیریم با به‌روزرسانی و هماهنگی سه گانه علوم اسلامی نیاز به دانش جدیدی بنام معنویت نبوده، یک مجموعه مطالعات چند رشته‌ای که علم اخلاق در کانون آن قرار دارد، نیاز پژوهش‌های امروزمین ماست.

۱. فلسفه و عرفان در منظر نگارنده اکنون مدت‌هاست وارد در متن دو علم دیگر، یعنی کلام امامیه و اخلاق شیعی شده‌اند. قرائت مدنظر نگارنده از اخلاق، اخلاق عرفانی با تأکید بر محوریت ثقلین است. در کلام هم رویکرد محقق طوسی در تجرید الاعتقاد و ادامه تاریخی این رویکرد هم در حوزه‌های علمیه تا امروز بهره‌گیری معتدل از یافته‌های برهانی حکمی در غنی‌سازی علم کلام را معتبر می‌شمارد.

## ۱. خوانش‌های معنویت و لزوم تعیین چارچوب مفهومی و قلمرو بحث

تقسیم دانش‌ها به نظری و عملی در سبب علوم اسلامی، امری ملموس و روشن است. دو علم کلام و فلسفه یکی با منظر درون‌دینی و دیگری با منظر بیرون‌دینی از هست‌ها سخن می‌گویند و به شناخت انسان و جهان اهتمام دارند. در کنار این دو دانش نظری، می‌توان از دو علم عملی اخلاق و فقه سخن گفت که ناظر به پدیدارهای اختیاری، و مشتمل بر توصیه و تجویزاند و بنابراین بحث در آن دو، از نوع دانش نظری به معنای شناخت عالم نیست. پرسشی که در این جا مطرح است این است که با فرض وجود علمی به نام دانش معنویت، این دانش در کدام دسته از علوم نظری یا عملی جای می‌گیرد؟ اگر پاسخ ما به این پرسش این باشد که دانش معنویت، از سنخ علوم نظری است، مناسباتش با علم اخلاق، از سنخ رابطه‌ای است که میان علم کلام و اخلاق یا فلسفه اسلامی و اخلاق است و اگر آن را به عنوان دانش عملی بشناسیم، رابطه‌اش می‌تواند از جنس مناسبات فقه با علم اخلاق به‌شمار رود. بالتبع رابطه علم نظری - علم عملی مسائلی چون وجود رابطه استنتاجی میان هست / باید را به دنبال می‌آورد، درحالی‌که رابطه از جنس رابطه دانش عملی - دانش عملی ابهاماتی از قبیل تداخل در ماموریت و حدود و قلمرو اختصاصی هر یک را به میان می‌کشد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد در معنویت، صرف نظر از بحث رویکرد سکولار و رویکرد دینی که مدل‌ها و دستاوردهایی از معنویت تولید می‌کند، دست کم از حیث قلمرو می‌توان دو قرائت داشت و آن را گستره‌شناسی حداقلی و حداکثری کرد.

الف) معنویت حداقلی: عبارت است از رابطه انسان با عناصر عالم غیب و عناصر قدسی، هرچه انسان با نشئه غیب و اخروی و عناصر قدسی ارتباط نزدیک‌تر، شدیدتر و خالص‌تری بگیرد، و با اهتمام بیشتری از عالم ماده جدا شود و به باطن عالم برسد، این انسان، از معنویت، بهره بیشتری می‌برد و طراز معنویت‌اش بالاتر می‌رود. این، یک قرائت معقول است که یا به‌صراحت یا به‌تلویح طرفدارانی دارد (نک: هانری کربن، ۱۳۹۱، ج ۱).

ب) معنویت حداکثری: عبارت است از رابطه روحانی انسان با همه موجودات و همه

عوالم غیب و شهود؛ به تعبیر دیگر رابطه انسان با همه عوالم ناسوت و ملکوت و جبروت و لاهوت و جملگی عناصر این عوالم. در این تلقی، نه تنها صرف عوالم قدسی و عناصر مینوی به تنهایی معنویت‌ساز نیست، بلکه در خود عالم دنیا هم لازم نیست این ارتباط محدود به رابطه با انسان‌های دیگر یا حتی جانداران باشد، ارتباط با جمادات هم در گستره معنویت و مطالعات معنوی می‌گنجد (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۶؛ مرتضی مطهری، ۱۳۹۱).

نگارنده بر این باور است که در فاز توسعه مطالعات معنویت‌پژوهی لازم است ابتدا معنویت اسلامی و خوانش‌های آن گونه‌شناسی شود و با طیف خوانش‌های اخلاق اسلامی در یک جدول مندرج شود سپس به تفصیل محورهای تقاطع این جدول به عنوان صور و اشکال نسبت دانش / رشته معنویت و علم اخلاق مورد مقایسه و تحلیل و سنجش قرار گیرد.

در تبیین رابطه اخلاق و معنویت باید گفت علم اخلاق، دانشی است عملی، ناظر به بایدها و بایسته‌ها، زبان علم اخلاق، یک شناسه دارد. در ناحیه محمول گزاره‌های اخلاقی، یکی از این چهار زوج مفهومی به کار می‌رود؛ درست و نادرست، خوب و بد، باید و نباید و حق و مسئولیت. آنچه گفته شد، ناظر به این حقیقت است که دانش اخلاق، یک علم تجویزی است، علم دستوری که ناظر به حوزه پدیدارهای مقدور و اختیاری است که اعم از صفات (ملکات)، افعال جوانحی (اعمال قلبی و باطنی) و افعال جوارحی (رفتارهای بیرونی) است. بدین ترتیب اخلاق دانشی عملی است، اکنون بر عهده معنویت‌پژوهان (به‌ویژه قائلان به وجود دانش معنویت) است که ماهیت این دانش را مشخص سازند که نظری است یا عملی تا مناسبات میان اخلاق و معنویت به دقت قابل ترسیم باشد.

هرگاه مناسبات معنویت به مثابه رشته مطالعات یا دانش با هریک از علوم اسلامی مورد سنجش قرار گیرد، در مرحله پیشرفته مباحث، شایسته است برای افزایش سطح دقت مباحثات به قرائت‌هایی که در درون خود علوم اسلامی وجود دارد، توجه کافی صورت گیرد. مثلاً در دانش فقه، تفاوت مدرسه اخباری معتدل صاحب حدائق و مدرسه اخباری افراطی استرآبادی با مدرسه اصولیون قابل توجه است و یا در دانش کلام،

مدرسه بغداد و مدرسه قم در برخی از مباحث با همدیگر تفاوت‌های معناداری دارند؛ به همین ترتیب چنان‌چه در معنویت هم خوانش‌های خاصی در دست باشد، باید در این مقایسه مورد توجه قرار گیرد.

## ۲. خوانش‌های اخلاق و قلمرو مفهومی آن

اخلاق دینی و اخلاق غیر دینی، اولین دو گانه‌ای است که می‌تواند با دانش / رشته معنویت مقایسه شود. اخلاق دینی دامنه گسترده‌ای دارد و فیلسوفان اخلاق خوانش‌های متعددی از آن ارائه کرده‌اند، همان‌گونه که در اخلاق سکولار<sup>۱</sup> نیز می‌توان آدرس‌های گوناگونی به دست داد. یک سبک اخلاق دینی پرطرفدار در بخش‌هایی از دنیای مسیحیت و جهان اسلام به طور مشترک دیده می‌شود، نظریه امر الهی است که در تاریخ و پیشینه ادبیات اسلامی از آن، با عنوان حسن و قبح شرعی یاد می‌شود و اشاعره آن را مطرح کرده‌اند و در جهان مسیحیت هم برخی از متکلمان و اخلاق‌پژوهان مانند آنسلم و سن آگوستین آن را پذیرفته‌اند. اخلاق در قالب نظریه امر الهی نقش عقل را بسیار کم‌رنگ می‌کند و روشن است که این خوانش از اخلاق با اخلاقی که امامیه مطرح می‌سازد تفاوت فراوانی دارد و در مقام سنجش و مقایسه باید دید معنویت مدنظر عقل محور است یا نص محور؟

نظریه امر الهی = برخلاف نظریه حسن و قبح عقلی - به فقه نزدیک می‌شود و به الزامات منصوص تکلیفی منحصر می‌شود، از این رو باید دید نظام معنوی که کاندیدای دانش / رشته تلقی شدن است آیا به محصور شدن در دامنه الزامات منصوص با لحن تکلیفی تن می‌دهد یا اولاً - به الزامات غیر منصوص عقلی و شهودی تن می‌دهد و ثانیاً - لحن تکلیفی شبه قانونی فقه را بر می‌تابد یا خیر؛ همچنین نظریه امر الهی از شاخه‌های اخلاق وظیفه‌گرا و به یک معنا از نظریه‌های خاص فعل بنیاد<sup>۲</sup> است و نه نظریه‌های فاعل

1. Secular ethics.

2. Act bast Theory



بنیاد؛<sup>۱</sup> یعنی ملکات را محور بحث و فضایل را معیار درستی و خوبی باز نمی‌شمرد. سخن نمی‌گوید، درحالی‌که خوانش عدلیه و به‌ویژه امامیه که حسن و قبح را ذاتی می‌بیند می‌تواند فعل محور نبوده و از ملکات نیز سخن به میان آورد (برای نمونه: نراقی، ۱۳۸۶)<sup>۲</sup>. در هر صورت در مقام نسبت‌سنجی باید دید رشته / دانش معنویت مدنظر تا چه میزان بر لایه رفتار اهتمام می‌ورزد و تا چه حد به احوال القلوب محوریت می‌بخشد و اعتنا دارد.

بحث دیگر که بخشی از این گستره را مشخص می‌سازد، موضوع علم اخلاق است که از دیر باز مطرح بوده است. برخی، آن را ملکات و برخی، افعال می‌دانند. اروپای مدرن در سده‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ از مدل کلاسیک سابق که در فلسفه مدرسی و پیش از آن، در فلسفه یونان باستان مطرح بود، یک تغییر معناداری صورت داد و از آن مختصات جغرافیایی، به فضای کاملاً متفاوت دیگری منتقل شد، تا قبل از قرن هفدهم وقتی آموزه‌های اخلاقی حاکم بر محافل علمی غرب تحلیل می‌شد، سر از اخلاق منش در می‌آورد. مطابق اخلاق منش یا اخلاق فضیلت<sup>۳</sup> حالات درونی و به‌ویژه افعال قلبی و مشخصاً صفات، موضوع علم اخلاق هستند که از آن هیئات و ملکات راسخه، به عنوان فضایل و رذایل یاد می‌شود (لاودن، ۱۳۹۲، صص ۳۹۱-۳۹۴)؛ اما با ظهور افرادی مانند کانت، جرمی بنتام، جیمز میل، و جان استوارت میل، اخلاق فعل<sup>۴</sup> با دو قرائت وظیفه‌گرایی<sup>۵</sup> (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۱۹؛ فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۴۷) و نتیجه‌گرایی<sup>۶</sup> (کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۵) بسیار پررنگ شد. ایشان از اخلاق عامل / فاعل محور<sup>۷</sup> عبور کردند که مصداقش اخلاق فضیلت است. تا پیش از این، سخن بر سر این بود که چه کسی خوب است و چه

1. Agent bast Theory

۲. نک: نراقی، جامع السعادات؛ خمینی، شرح جنود عقل و جهل.

3. Ethics of virtue.

4. Ethics of act.

5. Deontology.

6. Teleology.

7. Agent ethics.

شخصیتی مورد انتظار است و زین پس آنچه مهم شد، این است که چه فعلی درست یا نادرست و چه کاری خوب یا بد است. در جهان اسلام، دو خوانش از قلمروی اخلاق وجود داشته، خوانش سومی در کار نیست. خوانشی که معتقد است موضوع علم اخلاق که گستره و قلمرو علم اخلاق را شکل می‌دهد، ملکات و صفات‌اند (مسکویه، ۱۴۱۱ق، ص ۵۱) و خوانشی که افزون بر آنها، افعال و رفتار را هم داخل می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۵، ص ۹۵). در اخلاق اسلام، مکتبی، جریان یا فردی وجود ندارد که تأکید داشته باشد که موضوع و گستره علم اخلاق، صرف افعال است و خلق، صفات و منش، موضوع علم اخلاق نیست.

برای تعیین موضوع دانش اخلاق، لازم است به بررسی قلمرو اخلاق و ساحت‌های آن پرداخت. این قلمرو را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: طولی و عرضی؛ در برش طولی ما شاهد شش لایه و مرتبه در مطالعات اخلاقی هستیم که به ترتیب شش لایه را بررسی می‌کنند:

۱. شناخت هنجارها و مفاهیم اخلاقی؛

۲. تشخیص و قضاوت اخلاقی؛<sup>۱</sup>

۳. احساسات و عواطف اخلاقی؛

۴. انگیزش اخلاقی؛

۵. قصد و اراده اخلاقی؛

۶. رفتار و عمل اخلاقی.

در برش عرضی هم شاهد پنج ساحت برای قلمرو اخلاق پژوهی هستیم که بحسب نوع ارتباط انسان با عناصر و عوامل دیگر شکل می‌گیرد:

۱. اخلاق بندگی (ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با خداوند)؛

۲. اخلاق فردی (ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با خود)؛

۱. برخی مانند لارنس کلبرگ و پیش از وی، ژان پیاژه کل تحقیقات خود را طی بیش از ۳۰ سال بر لایه دوم متمرکز ساختند. برای آشنایی با یک منبع مبسوط و جدید نک: نظریه‌های کلاسیک شناختی - تحولی در رشد اخلاقی.

۳. اخلاق خانوادگی (ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با اعضای خانواده)؛
۴. اخلاق اجتماعی (ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با شهروندان جامعه)؛
۵. اخلاق زیست محیطی (ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با محیط زیست و حیوانات).

اکنون سه قرائت حداقلی، متوسط و حداکثری در قلمروشناسی اخلاق دینی را می‌توان چنین ترسیم کرد:

الف) اخلاق حداقلی: اگر اخلاق، از سویی تنها بر کنش؛ یعنی لایه‌های ۵ و ۶ متمرکز باشد یا به منش و آثار آن یعنی لایه‌های ۲ تا ۴ محدود گردد و از سوی دیگر فقط ساحت اخلاق فردی و بندگی را پوشش دهد، آن‌گاه ما با یک اخلاق حداقلی مواجه هستیم.

ب) اخلاق متوسط: اگر اخلاق، شامل اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی، اخلاق بندگی و اخلاق اجتماعی در یکی از دو شکل اخلاق عمل / اخلاق منش باشد، ما با اخلاق متوسط روبرو خواهیم بود.

ج) اخلاق حداکثری: اگر اخلاق افزون بر اخلاق‌های بندگی، فردی، خانوادگی و اجتماعی، مشتمل بر اخلاق محیط زیست و آن‌هم در هر دو سطح اخلاق منش (فضیلت) / اخلاق فعل باشد، آن‌گاه اخلاق حداکثری در پیش خود خواهیم داشت.

### ۳. نسبت‌سنجی معنویت و اخلاق با ساحت‌های وجود انسان

زیست معنوی رخدادی است که در صحنه حیات آدمی تأثیرگذار است و از واقعیت برخوردار است. پرسش این است که نفس الامر این پدیده‌های انسانی کجاست؟ یعنی معنویت در کدام ساحت وجود انسان رخ می‌دهد؟ اما در این کاوش که موضوع دانش معنویت در سبده علوم اسلامی است، صورت‌بندی پرسش اصلی این است که اگر بر اساس رئالیسم معرفتی گزاره‌های معنوی را واقع‌نما بدانیم، آن‌گاه در سنت تفکر اسلامی چه دانشی از ظرف (موطن یا نفس الامر) قضایای این دانش بحث می‌کند؟

در پاسخ به این سوال باید توجه شود که حیات معنوی انسان بر اساس لایه‌ها و ساحت‌های وجودی انسان به سه حوزه اصلی قابل تقسیم است که عبارت‌اند از:

۱. ساحت بینش، ۲. ساحت منش، ۳. ساحت کنش.

در ارتباط گرفتن با هر پدیده، نخستین رویارویی انسان مواجهه شناختی است؛ شناختی که بسته به مبادی و اصول و روش و منابع خود، در پایان به یک بینش ختم می‌شود. این بینش در منظومه شناختی فرد مستقر می‌شود و به هدایت و نقش‌آفرینی می‌پردازد. ساحت دوم در مواجهه با یک پدیده، مواجهه عاطفی - انگیزشی است. در این مرحله کشش و رانش نسبت به پدیده براساس خصلت و خصیصه‌های فرد در وجود انسان شکل می‌گیرد. این موطن ساحت منش است و بالاخره ساحت سوم، کنش و رفتار است.

منش معنوی، هسته مرکزی هویت معنوی انسان و حقیقت معنویت در وجود اوست و بایست نفس الامر معنویت را در ارتباط با آن جستجو کرد.

حال پرسش این است که این منش چیست و چرا در هسته مرکزی شخصیت قرار می‌گیرد؟

ما با رهیافتی قرآنی می‌توانیم پاسخ این پرسش را در مفهوم شاکله جستجو کنیم. آیه هشتاد و چهارم سوره اسراء یکی از آیات کلیدی در «انسان - کنش‌شناسی» قرآنی<sup>۱</sup> است. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا»؛ هرکسی آن‌گونه عمل می‌کند که شاکله‌اش، اقتضا می‌نماید و بیان ساده‌اش این است که از کوزه همان برون تراود که در اوست (اسراء، ۸۴).

شاکله در قرآن کریم یک بار و بدون وصف و توضیح وارد شده است. صاحب‌الدر النظیم آن را بم عنای سجیه (خلقیات) دانسته است (قمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴ نیز نک: راغب اصفهانی، بی‌تا) اما مفسران آن را به شکل‌های متفاوت تفسیر و معنا کردند. بهترین تفسیر آن را

۱. برای آشنایی بیشتر با این مفهوم و سازه نظری نک: سید حمیدرضا حسنی، انسان کنش‌شناسی صدرایی: به مثابه ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی صدرالمतालین برای علوم انسانی.

صاحب المیزان عنوان کرده است؛ وی شاکله را به معنای صفات نفسانی و ملکات اخلاقی تعریف کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۳، ص ۱۹۳).

توضیح آنکه اعمال انسان از الگوهای ثابت رفتاری وی ناشی می‌شود این الگوها حاصل ضرب دو عامل اند:

یکم) صفات هدایت‌گر پایدار که به سبک‌های تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری منتهی می‌شوند.

دوم) موقعیت‌ها و متغیرهای محیطی.

اما صفات هدایت‌گر پایدار که دانشمندان اسلامی از آنها تحت عنوان ملکات یاد کرده و شامل فضائل و رذائل می‌دانند، خود دارای دو مؤلفه یا اثر هستند:<sup>۱</sup>

الف) مؤلفه شناختی که تأمین بینش‌های پایدار و هدایت‌گر را برعهده دارند؛

ب) مؤلفه گرایشی که تأمین انگیزش‌های پایدار هدایت‌گر را برعهده دارد.

مجموع مؤلفه‌های بینشی و گرایشی منظومه فضائل و رذایل هر شخص، سوگیری

شناختی - هیجانی، الگوی تصمیم - اقدام و سبک ارتباطی فرد در روابط چهارگانه با خداوند، خویشتن، دیگران و محیط را معین می‌سازد.

صفات پایدار هدایت‌گر با این دو مؤلفه ما را به مفهوم هویت می‌رساند. موید این

مطلب تحقیقی قرآنی - روایی که توسط جهانگیری و جهانگیرزاده انجام شده است. در

این پژوهش پس از استخراج ۸۶۵ مقوله اولیه (کد باز) اخلاقی - معنوی از آیات و

احادیث (جهانگیری، ۱۳۹۹، صص ۱۲۷-۱۸۸)، مؤلفه‌های «هویت اخلاقی - معنوی» را مشتمل بر

۵ مؤلفه بینشی، ۱۶ مؤلفه انگیزشی و ۸ مؤلفه رفتاری معرفی شده‌اند (جهانگیری و

جهانگیرزاده، ۱۳۹۸، صص ۷۸-۹۴). با این توضیحات به نظر می‌رسد با یک بررسی تطبیقی

قرآنی - روان‌شناختی بتوان گفت شاکله کمابیش مساوی مفهوم هویت است. همان

طور که برخی محققان از بین ۵ مفهوم قرآنی، هویت را به شاکله نزدیکتر شمرده و به

۱. برای یک تبیین جدید و دقیق از مولفه‌های شناختی و گرایشی فضیلت نگاه کنید به: فضایل ذهن؛ تحقیقی در ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت، لیندا زاگربسکی، ترجمه امیرحسین خداپرست.

نوعی شاکله را به معنای هویت دانسته است (نوری، ۱۳۹۵، ص ۹۰).

از نظر اریکسون = نظریه پرداز پیشگام هویت - هویت به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره معنا، هدف و جهت گیری زندگی خود از آن استفاده می کند (Berzonsky, 2003). وی هویت را در تعامل با موقعیت تعریف می کند (نوری، ۱۳۹۵). حسب نقش - موقعیت های زندگی می توان شش هویت را برای شخص برشمرد: هویت فردی، هویت دینی - معنوی، هویت خانوادگی، هویت ملی - قومی، هویت شغلی و هویت اجتماعی.

از آنجا که مفهوم روان شناختی هویت به معنای خودپنداره دقیقاً بر مفهوم قرآنی شاکله صدق نمی کند، نگارنده مفهوم هویت - تشخص را پیشنهاد می کند که خود پنداره منطبق بر شخصیت فرد است؛ همان معرفت نفس صحیح که امام علی علیه السلام آن را انفع المعارف خوانده است؛ بدین ترتیب شاکله عبارت است از مجموعه یکپارچه شده «هویت - تشخص» های شش گانه.

در این میان، هویت دینی - معنوی مجموعه خصلت های هدایت گر و پایداری است که سوگیری شناختی - هیجانی و سبک ارتباطی فرد با خدا و دیگر عناصر مقدس را معین می سازد.

بنابراین آن عناصر بنیادین تشکیل دهنده شاکله، عبارت است از صفات هدایت گر پایدار که شامل فضائل و رذائل بوده و رکن درونی و اصلی در هویت های فرعی شش گانه به شمار می روند.

حال از آنجا که گفتگوی ما در سبده علوم اسلامی شکل گرفته است نیازمند مقدمه ای دیگر هستیم و آن توجه به مقصد و مقصود دین و فلسفه بعثت و ماموریت انبیا لازم است.

از تعمق و تأمل در نظام آموزه های اسلامی، قرآن، حدیث و سیره، هدف متعالی و ناب معنویت اسلامی حرکت تکاملی و صعودی در مدارج کمال تا رسیدن به معدن کمال که خیر و اصل هر زیبایی است و از آن به قرب الهی یاد می شود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۹۷؛ صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰). یک تعبیر عمیق و فاخر از قرب، عبارت

«تخلق به اخلاق الله» است؛ «تخلقوا باخلاق الله» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۲۹). این چیزی است که در افق معنویت قرار دارد و انسان را به سوی خود می‌خواند. کل دگرذیسی و صیوریت معنوی، متوجه به سوی این قله است؛ بدین ترتیب غایت معنویت خداسو، تخلق به اخلاق الله و اتصاف به صفات الله است. از سوی دیگر به یادماندنی‌ترین کلامی که پیام‌آور سعادت و رحمت و نبی خاتم، به عنوان فلسفه بعثت از آن یاد می‌کند، حدیث معروفی است که از طرق فریقین نقل شده است که حضرت فرمود: «أئما / ائنی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۹ و ۱۰، ص ۵۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۸۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۳۲۳). این حدیث به روشنی اخلاق را در بن و هسته مرکزی نگرش هدایت‌گری الهی می‌نشانند. هسته اصلی معنویت اسلامی، دستیابی به ترازوی از شخصیت الهی و مشی و منش اخلاقی برآمده از مکارم اخلاق است. بر پایه تحلیل گذشته، می‌توان این حدیث را چنین تفسیر کرد که پیامبر ﷺ مبعوث گشته تا شاکله انسان‌ها را معماری کند و آن را ملکوتی و خدای‌گون بسازد؛ به عبارت دیگر آموزه‌های دینی به دنبال آن هستند که انسان را به اخلاق الهی آراسته کنند و این اخلاق که با اصلاح شاکله انسان قابل دستیابی بوده، مطلوب معنویت اسلامی است.

بی دلیل نیست که حاکمان و اخلاق‌پژوهان مسلمان قایل به اخلاق فضیلت و در آن راسخ‌اند. هنر اخلاق فضیلت، این است که به انسان رهنمود می‌دهد تا چطور مسلط به زیرساخت‌های شاکله بشود تا اگر آنها در انسان فراهم آمد، بدون محاسبات دائمی سود و زیان دنیوی - از سوی نفس سیری‌ناپذیر خویش - و بدون خستگی روحی و فشار روانی حاصل از درگیری دائمی با نفس اماره و هوای نفس - که دیر یا زود او را خسته و فرسوده می‌سازند و از پا می‌اندازند،<sup>۱</sup> بتواند بی‌درنگ و به راحتی بر سر دوراهی‌های درست - نادرست و خیر - شر به درستی تصمیم بگیرد و بتواند بدون لغزش و انحراف به چپ یا راست، در صراط مستقیم عبودیت با گام‌های بلند و مطمئن حرکت کند و

۱. وجود این ضمانت و این استواری در سیر الی الله تا آن‌جا مهم است که با تعابیر مختلف در کتاب‌ها تفسیر، روایی و اخلاقی وارد شده است که «الناس کلهم هلکی ألاً العالمون، والعالمون کلهم هلکی إلا العابدون، والعابدون کلهم هلکی إلا المخلصون...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۴۵؛ نراقی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۰).

اعمال مقرَّب انجام دهد. این همان تعبیر معروف حکمای مسلمان در کتاب‌ها اخلاق است که کما بیش با عبارت‌های مشابه غایت علم اخلاق را صدور به راحتی و ضمانت دار کنش‌های اخلاقی بازشمرده‌اند: «یصدر عنک الافعال کلها جمیله،... بسهولة.... بلا تکلف و لارویة» (مسکویه، بی تا، ص ۲۷؛ یحیی بن عدی، ۱۳۷۱، ص ۵).

بنابراین تتیم مکارم اخلاق بدین معناست که پیامبر ﷺ مبعوث گشته تا مؤمنین را به سازوکاری مجهز کند که احتمال لغزش ایشان به حداقل ممکن برسد و ادامه حرکت در مسیر را با تثبیت صفات هدایت‌گر پایدار و پی‌ریزی شاگله‌ای با اخلاق الهی تضمین کند.

#### ۴. مطالعات تک‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای در معنویت اسلامی

بسته به نوع تلقی ما از مسائل اصلی دانش معنویت، می‌توان به پرسش از رابطه معنویت و علوم اسلامی سه پاسخ حداقلی، متوسط و حداکثری ارائه کرد. اگر پرسمان معنویت، مشتمل بر مسئله‌هایی محدود و تک‌تباری باشد که در علوم سنتی همچون عرفان<sup>۱</sup> و اخلاق مطرح بوده است، آن‌گاه کاوش ما پاسخی حداقلی خواهد داشت و قلمرو معنویت چیزی جز یکی از همان شاخه‌های علوم کلاسیک اسلامی نخواهد بود. پاسخ متوسط مبتنی بر تناظر بینش، منش و کنش اخلاقی با سه دانش اصلی اسلامی است؛ در این سه گانه، کلام و فلسفه الهی، عهده‌دار تأمین بینش معنوی است و فقه عهده‌دار تأمین کنش معنوی است<sup>۲</sup> و اخلاق (با تلقی اخلاق فضیلت و تأکید بر رویکرد اخلاق عرفانی)، لایه منش

1. Mysticism.

۲. نکته تکمیلی شایان توجه، نقش اخلاق و فقه در شکل‌دهی به کنش‌های انسان است، یک قرائت شایع - فارغ از صحت و عدم صحت آن - این است که فقه عهده‌دار سطح عمومی افعال برای تمام مکلفان است. کف نصاب صحت، درستی و جواز فعل اختیاری از انسان مسلم که نباید از آن عبور کند، برعهده فقه است؛ اما سقف عمل و سطح بالای آن که مرتبه کامل عمل و تکلیف خواص است، برعهده اخلاق است. بنابراین هرکس که می‌خواهد به معدن معنویت و سرچشمه همه زیبایی‌ها و خیرات و اصل هستی و نیکی که حق سبحانه است، برسد، همه چیز برای او روا و مجاز نیست: «حسنات الابرار، سیئات المقربین» (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۱۷؛ بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۶).



معنوی را شکل می‌دهد و بدین ترتیب مسائل معنوی، مسائلی تلقی می‌شوند که باید از چند رشته، به آنها نگریست. در این صورت دانش معنویت، عهده‌دار یک فعالیت چند رشته‌ای<sup>۱</sup> است. نگاه حداکثری که بی‌تردید، پاسخ حداکثری نیز می‌طلبد، این است که ادعا شود در حوزه معنویت، مسائلی وجود دارد که نه تک‌رشته‌ای و نه چندرشته‌ای، بلکه به شکل بینارشته‌ای<sup>۲</sup> باید حل شوند؛ زیرا مسائل معنویت، مسائلی چندتباری است. در چنین حالتی روش‌شناسی پاسخگویی به مسائل آن، مقتضی مطالعات بینارشته‌ای خواهد بود.<sup>۳</sup> نویسنده، نگرش حداقلی و متوسط را برای مقطع کنونی که مرحله آغازین مطالعات نوین معنویت در ایران است، لازم و اجراپذیر می‌داند و بر آن است که با صحنه‌گذاران بر ظرفیت‌های علوم اسلامی در پاسخگویی به پرسش‌ها و چالش‌های عصری و اتخاذ یک رویکرد چندرشته‌ای می‌توان به حل مسئله‌های کنونی معنویت نائل شد. ممکن است جامعه علمی و معنویت‌پژوهان در آینده به کشف و صورت‌بندی میزان قابل توجهی از مسائل چندتباری توفیق یابند و در آن شرایط، اتخاذ رویکرد بینارشته‌ای اجتناب‌ناپذیر گردد در آن صورت نیازمند تربیت محققان ویژه عرصه مطالعات

1. Multidisciplinary.

2. Interdisciplinary.

۳. وایمن (۱۹۴۲) الهی‌دان و استاد دانشگاه رادبود هلند است. مهم‌ترین کتاب وی در زمینه مطالعات معنویت کتابی است با عنوان معنویت: صورت‌ها، مبانی و روش‌ها که راهنمایی مبسوط در زمینه مطالعات معنویت (در چارچوب مسیحیت) است. وایمن در این کتاب و هم‌چنین در مقاله‌ای با عنوان «معنویت - پدیده‌ای چندوجهی: تبیین‌های میان رشته‌ای» به بیان رویکردهای محتمل و موجود در مطالعات معنویت، بیان مصادیق این نوع مطالعه و همچنین ضرورت و راهکار توسعه مطالعات بین رشته‌ای در این زمینه، پرداخته است. وایمن در این تحقیق، با هدف بررسی راه‌های متنوعی که معنویت در واحدهای دانشگاهی در حال مطالعه است، دوازده رشته مطالعاتی که مطالعات معنویت را می‌توان در آن‌ها بازجست، معرفی کرده و با بیان ابعاد دهگانه مطالعات معنویت، به تبیین این مطلب می‌پردازد که این ابعاد تا کنون در هر رشته از دوازده رشته مذکور چگونه پژوهش شده است. دوازده رشته مورد بررسی وی از این قرار است: الهیات، مطالعات دینی، فلسفه، علوم ادبی، تاریخ، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، مطالعات مدیریت، پزشکی، علوم طبیعی. ابعاد ده‌گانه مورد نظر وی از این قرار است: ۱. واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به معنویت، ۲. اشیاء مادی، ۳. ایماژهای هنری و زیبایی‌شناختی، ۴. متون و نصوص، ۵. تجلی‌های تاریخی، ۶. فرآیندهای تحول معنوی، ۷. ارتباطات معنوی بیافرادی و الوهی، ۸. اعمال و تمارین خاص معنوی، ۹. رشته علمی و ۱۰. نظریه علمی (نک: Waiman, 2077).

میان رشته‌ای هستیم؛ باید توجه داشت که ورود به حل مسائل چندتباری نیازمند تربیت ذهنی ویژه و تخصص در بیش از یک رشته و تمرکز بر مرزها و حوزه‌های هم‌پوشان علوم و... است؛<sup>۱</sup> پس از منظر مدیریت دانش مطالعات معنویت را باید در طی دو مرحله در طول هم طراحی و تعریف کرد: گام نخست به مطالعات تک‌رشته‌ای و به ویژه چند رشته‌ای پرداخت و در گام دوم آماده ورود به مطالعات پیچیده‌تر میان رشته‌ای شد.

### نتیجه‌گیری

در این جستار ابتدا برای رفع ابهام از دو طرف این سنجش و مقایسه، دو گام پیشنهاد شد:

یکم - ضرورت بحث از سنخ‌شناسی برنهاده دانش معنویت به میان آمد تا نظری/ عملی بودن آن معین شود.

دوم - رویکردها و مکاتب گوناگون اخلاق مطرح شد تا خوانش مورد نظر از اخلاق در میان نظریه‌ها و رهیافت‌های متعدد دانش اخلاق انتخاب و تبیین گردد. دیدگاه این مقاله برای سنجش و مقایسه با معنویت، «مدل اخلاق فضیلت برآمده از کتاب و سنت مبتنی بر رویکرد اخلاق عرفانی» است. در ضمن تأکید شد که در مقایسه و نسبت‌سنجی لازم است به مدل‌های حداقلی تا حداکثری معنویت و اخلاق نیز توجه بایسته صورت گیرد.

در گام بعد مشخص شد در یک تحلیل انسان - کنش‌شناسی، ساحت منش و انگیزش از میان سه ساحت وجودی آدمی، نقطه کانونی شکل‌دهی به شاکله و ابعاد هویت - تشخیص هر فرد و در پی آن تعیین‌گر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های وی است.

۱. نگارنده بر این باور است که برای عبور از محدودیت و ضعف در مطالعات میان‌رشته‌ای نیازمند تدابیر راهبردی در عرصه مدیریت دانش و تربیت پژوهشگر هستیم. یکی از مدل‌های قابل مطالعه را صاحب این قلم در سال ۱۳۸۶ با عنوان «مدل تخصص‌گرایی کل‌نگر» پیشنهاد کرده است. برای آشنایی بیشتر نک: بهینه‌سازی نظام پژوهشی در علوم اسلامی - انسانی، ماهنامه پگاه، پاییز ۱۳۸۶؛ نیز نک: از نظام دیسپلینی تا رویکرد بین رشته‌ای در برنامه درسی آموزش عالی، حسن ملکی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۵-۶۵.

در ادامه متذکر شدیم که برخی مطالعات روزآمد در حوزه روان‌شناسی اسلامی هم بر این تلقی انسان‌شناختی قرآنی صحه می‌گذارد.

متناسب با این ساحت وجودی انسان، دانش اخلاق در میان سه‌گانه علوم اسلامی پرطرفت‌ترین دانش اسلامی برای معناگروی و معنویت‌پروری است که البته برای سامان‌بخشیدن به سبک زندگی معنوی افراد، نیازمند دو حلقه پس و پیش خود در تریلوژی، یعنی فقه و کلام است. حق آن است که علوم اسلامی، تنها سرمایه قابل اتکای ما در راه یافتن به زیست معنوی انسان معاصر به‌شمار می‌روند ولیکن برای رسیدن به نقطه کارآمدی کامل و مطلوب، نیازمند به مواجهه با مسائل عصری و به‌روزرسانی هستند.

پس از منظر مدیریت دانش، مطالعات معنویت را باید در طی دو مرحله در طول هم طراحی و تعریف کرد: گام نخست در مرحله کنونی باید مطالعات چندرشته‌ای را وجهه همت قرار داد و در گام دوم و پس از گذراندن پیش‌نیازهای لازم، برای ورود به مطالعات بینارشته‌ای برنامه‌ریزی و اقدام نمود.

بدین ترتیب نویسنده در شرایط کنونی، معتقد به یک مجموعه مطالعات چندرشته‌ای است که علم اخلاق در کانون آن قرار دارد.

بر این پایه، با به‌روزرسانی و هماهنگی سه‌گانه علوم اسلامی نیاز به دانش جدیدی بنام معنویت نیست. البته این منظر می‌تواند برای پی‌گیری دغدغه‌های آموزشی با تأسیس رشته مطالعات معنویت، هم‌دلی و موافقت داشته باشد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. بحرانی، ابن میثم. (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى (ج ۱۰، محقق: عطا، عبدالقادر محمد). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. پالمر، مایکل. (۱۳۸۵). مسائل اخلاقی (مترجم: علیرضا آل بویه). قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. جهانگیری، مصطفی. (۱۳۹۹). تدوین مدل مفهومی شخصیت اخلاقی بر اساس منابع اسلامی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (زیر نظر محمدرضا جهانگیرزاده)، رشته روان شناسی. قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶). ادب فنای مقربان. قم: نشر اسراء.
۶. راغب اصفهانی. (بی تا). مفردات ألفاظ القرآن (محقق: صفوان عدنان داوودی، طبعه الثاني). دمشق: دار القلم.
۷. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی اسفار العقلیة الاربعة (ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث.
۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۴). مجمع البیان (ج ۹ و ۱۰). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۹. فرانکنا، ویلیامکی. (۱۳۹۲). فلسفه اخلاق (مترجم: هادی صادقی، چاپ چهارم). قم: طه.
۱۰. فیض کاشانی، محسن. (۱۳۹۹). الحقایق فی محاسن الاخلاق (چاپ دوم). دار الکتب العربی.
۱۱. فیض کاشانی، محسن. (۱۳۳۹). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء (ج ۵). بیروت: مکتبه الصدوق.
۱۲. فیض کاشانی، محسن. (۱۳۸۷). قره العیون فی اعز الفنون. تهران: انتشارات مدرسه عالی شهید مطهری.

۱۳. قمی، عباس. (۱۳۸۶). *الدرالنظیم فی لغات القرآن العظیم* (مصصح: رضا استادی). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۴. کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۵). *تاریخ فلسفه غرب* (ج ۱، مترجم: جلال الدین مجتبیوی). تهران: انتشارات سروش.
۱۵. کرین، هانری. (۱۳۹۱). *اسلام در سرزمین ایران* (ج ۱). تهران: انتشارات انجمن حکمت و فلسفه.
۱۶. لاودن، روبرت. (۱۳۹۲). *اخلاق فضیلت*. دانشنامه فلسفه اخلاق (ویراستار: پل ادوارز). تهران: نشر صوفیا.
۱۷. مازندرانی، محمد صالح. (۱۴۲۱ق). *شرح أصول الکافی* (ج ۴، مصصح: علی عاشور). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار* (ج ۵۸، ۶۸ و ۷۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مسکویه، احمد بن محمد رازی. (بی تا). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق* (مقدمه: شیخ حسن تمیم). قم: بیدار.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). *آزادی معنوی*. قم: انتشارات صدرا.
۲۱. ملکی، حسن. (۱۳۸۹). *از نظام دیسیپلینی تا رویکرد بین رشته‌ای در برنامه درسی آموزش عالی*. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، (۱)، صص ۶۵-۹۵.
۲۲. نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۶). *جامع السعادات* (ج ۱). نجف: مطبعه النعمان.
۲۳. نوری، نجیب‌اله. (۱۳۹۵). *ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی*. پایان‌نامه دکتری رشته روان‌شناسی. قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۴. یحیی بن عدی. (۱۳۷۱). *تهذیب الاخلاق* (مصصح: سیدمحمد دامادی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
25. Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *Identity, an International Journal of Theory and Research*, (3), pp. 231-245.
26. Waiman, Kees. (2007). Spirituality-A multifaceted phenomenon: Interdisciplinary explorations. *Studies in Spirituality*, (17), pp. 1-113.

## References

\* The Holy Quran

1. Bahrani, I. (1362 AP). *Commentary on Nahj al-Balaghah* (Vol. 1, 1<sup>st</sup> Ed.). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Persian]
2. Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *Identity, an International Journal of Theory and Research*, (3), pp. 231-245.
3. Beyhaqi, A. (1424 AH). *Al-Sunan Al-Kobra* (Vol. 10). (Atta, A. Q, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
4. Caplestone, F. (1375 AP). *History of Western Philosophy* (Vol. 1, Mojtabavi, J, Trans.). Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
5. Carbon, H. (1391 AP). *Islam in the land of Iran* (Vol. 1). Tehran: Publications of the Society of Wisdom and Philosophy. [In Persian]
6. Feiz Kashani, M. (1339 AP). *Al-Mihjah al-Bayda fi Tahdib al-Ihya* (Vol. 5). Beirut: Al-Saddough School. [In Persian]
7. Feiz Kashani, M. (1387 AP). *Qorah Al-Oyoun fi A'iza al-Funun*. Tehran: Shahid Motahari High School Publications. [In Persian]
8. Feiz Kashani, M. (1399 AP). *Al-Haqayeq fi Mahasan al-Akhlaq* (2<sup>nd</sup> Ed.). Dar al-Kotob Al-Arabi.
9. Frankena, W. (1392 AP). *Moral philosophy* (Sadeghi, H, Trans., 4<sup>th</sup> Ed.). Qom: Taha. [In Persian]
10. Jahangiri, M. (1399 AP). *Developing a conceptual model of moral character based on Islamic sources*. Master's thesis, under the supervision of Mohammad Reza Jahangirzadeh, field of psychology. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
11. Javadi Amoli, A. (1396 AP). *Adabe Fanaye Moqaraban*. Qom: Esra Publications. [In Persian]
12. Louden, R. (1392 AP). *Virtue ethics. Encyclopaedia of Moral Philosophy* (Edwards, P, Ed.). Tehran: Sofia Publishing House. [In Persian]
13. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 58, 68 & 70). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]

14. Maleki, H. (1389 AP). From disciplinary system to interdisciplinary approach in higher education curriculum. *Higher Education Curriculum Studies*, (1), pp. 65-95. [In Persian]
15. Mazandarani, M. S. (1421 AH). *Description of Usul al-Kafi* (Vol. 4, Ashour, A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
16. Meskavayh, A. (n.d.). *Tahdib al-Akhlagh va Tathir al-I'ragh* (Tamim, SH. H, Ed.). Qom: Bidar.
17. Motahari, M. (1391 AP). *Spiritual freedom*. Qom: Sadra Publications. [In Persian]
18. Naraghi, M. M. (1386 AP). *Jame al-Saadat* (Vol. 1). Najaf: Matba'ah Al-Nu'man. [In Persian]
19. Nouri, N. (1395 AP). *Conceptual structure of identity based on Islamic sources*. PhD thesis in psychology. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
20. Palmer, M. (1385 AP). *Moral issues* (Ale Bouyeh, Trans.). Qom: Publications of the Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
21. Qomi, A. (1386 AP). *Al-Dur al-Nazim fi Lughat al-Qur'an al-Azim* (Ostadi, Ed.). Mashhad: Majma' al-Bohouth al-Islamiya. [In Persian]
22. Ragheb Esfahani. (n.d.). *Mufradat Alfaz Al-Qur'an* (Adnan Dawoodi, S, Ed., 2<sup>nd</sup> Ed.). Damascus: Dar al-Qalam.
23. Sadr al-Muta'alehin, M. (1981). *Al-Hikmah al-Mu'ta'ali'ah fi Asfar al-Aqliyyah al-Arba'ah* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Toras.
24. Tabarsi, F. (1374 AP). *Majma' Al-Bayan* (v. 9 & 10). Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Persian]
25. Waiman, Kees. (2007). Spirituality-A multifaceted phenomenon: Interdisciplinary explorations. *Studies in Spirituality*, (17), pp. 1-113.
26. Yahya bin Edi. (1371 AP). *Tahzeeb al-Akhlaq* (Damadi, S. M, Ed.). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]